



عشق زیر روسری

«عشق زیر روسری» داستان بخشی از زندگی دختری آسیایی الاصل در لندن است که به روش سنتی و آلمان‌های شرقی برای انتخاب همسر درگیر رسوماتی بسیار نزدیک به آنچه که در کشور ما نیز وجود دارد، است.

شلینا را باید دختر متفکر نه شرقی نه غربی دانست که از اسلام به احکام قناعت نمی‌کند و منتقد عرف موجود در بین مسلمانان است که با عنوان رسم و سنت با اسلام راستین در تناقض است؛ به عنوان مثال او از ویژگی‌های سنتی یک زن خوب دل خوشی ندارد، او خاله خانجایی‌ها را نماد این فرهنگ می‌داند.

در نظر تمام «خاله خان‌باجی‌ها» بی‌کفایتی که فکر می‌کنند دختر نباید هر کاری که دلش می‌خواهد بکند، در عین پای‌بندی‌اش به اصول و فرهنگ خانوادگی و اسلامی، او تصمیم می‌گیرد تا پای اراده‌اش را قوی کند با فتح قله کلیمانجارو! هیچ تردیدی ندارد که عشق تجربه‌ای شورانگیز و متحول‌کننده است.

تمام موقعیت‌های موجود برای ازدواج، مثل بنگاه‌های ازدواج و همسریابی سریع، اینترنتی و... را جستجو می‌کند. اما می‌بیند که...



دنیای رنگ‌ها و اثراش در زندگی ما

رنگ‌ها دنیای اسرار آمیزی دارند و اثراش بسیاری در روان ما و اطرافیانمون می‌گذارند. طبق وعده‌ی پیشین در شماره‌ی اول در این شماره به رنگ آبی و ترکیب این رنگ کنار رنگ‌های دیگر می‌پردازیم.

انتخاب مناسب رنگ‌ها کنار هم می‌تونه ما رو آراسته نشون بده و حالات روانی ما رو کنترل کنه.

آبی

این رنگ احساس آرامش را به ذهن می‌آورد و معمولاً نشانگر صلح، امنیت و نظم است. همچنین این رنگ می‌تواند احساس غم، درون‌گرایی یا گوشه‌گیری را در بعضی افراد به وجود آورد و با نگاه کردن به آن به انسان احساس افسردگی، ترس و جدا شدن از دنیای بیرون، دست می‌دهد.

رنگ آبی با سفید، مشکی، آبی، سبز، بنفش و نارنجی هماهنگ می‌شود. رنگ مکمل آبی، نارنجی است و قرار گرفتن این دو رنگ در کنار هم نارنجی را تشدید می‌کند. بنابراین از رنگ تند آبی و نارنجی کنار هم استفاده نکنید.

ترکیب رنگ صورتی با آبی پودری ظاهر جوان‌تر، زیباتر و زنانه‌تری ارائه می‌دهد

از دواج بکنم؟

ندای دختران



زهرا سادات رضوی علوی - شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت

ندا روی کانا په لم داده بود و سرش توی گوشیش بود. مامان در حالیکه خودش رو مشغول برنج پاک کردن نشون می‌داد به ندا گفت: آخر چی کار کنی؟ خانم کمالی شب زنگ می‌زنه. ندا جوابی نداد.

مامان سعی می‌کرد خونسردی خودشو حفظ کنه و گفت: ندا! با تو هستم. شنیدی چی می‌گم؟ ندا اخمهاشو در هم کشید و گفت: واضحه مامان! معلومه که پسرش در حد من نیست!

مامان با چشم غره گفت: از کجا معلومه؟ ندا گفت: لیسانس داره مامان اونم از دانشگاه معمولی. من ارشد هوافضام. اصلا هم سطح نیستیم! مامان از جاش بلند شد و کنار ندا نشست. گوشه‌ی ندارو ازش گرفت و گفت: یه لحظه این وامونده رو بذار کنار و به حرفای من گوش کن! ارشد هوافضا که الان بیکار نشسته تو خونه بالاتر از مهندسی هست که داره زحمت می‌کشه کار می‌کنه و می‌خواد مسئولیت یه زندگی رو هم بپذیره؟ آره؟ ندا: مامان خودت خوب می‌دونی که همه‌ی تلاشمو برای کار پیدا کردن می‌کنم.

مامان لبخند مهربونی زد و گفت: اخه عزیز من، مگه همه‌ی زندگی مدرک تحصیلیه. من می‌گم حالا بذار بیان. اگه تو مسائل دیگه هم اختلاف داشتین بعد بگو نه.

ندا در مقابل مهربونی مامان نرم نشد و گفت: مامان جان ماشین که نداره، خونه هم که اصلا ازش توقعی نمی‌ره! دو تا خواهر داره یکی از یکی پر ادعا تر! یه کارمند ساده است. اگه قدش هم مثل خواهراش باشه که کوتاها!

مامان که دید نقشه‌ی مهربونی جواب نداد با عصبانیت گفت: طوری حرف می‌زنی انگار دختر شاه پریونی خودت! صد دفعه بهت گفتم با این دوستای از خود راضیت نگرد! نتیجه‌اش همین می‌شه دیگه!

نوید با یه لبخند و موهای بهم ریخته از اتاقش اومد بیرون و گفت: باز گرد و خاک کردین؟ مامان این اهل ازدواج نیست. بیا یه فکری به حال من کن. مردم از تنهایی!

نوید به ندانگاهی کرد و گفت: مامان اگه نظرش منفیه خب زور بهش نگو. منم مخالفم راستش.

مامان در حالیکه پشت سر ندا بود با اشاره‌ی دست نوید رو تهدید کرد و با سینی چای برگشت و گفت:

این همه خواستگار خوب داشته تا حالا. هر کدوم رو به یه بهونه‌ای رد کرده. احسان پسر خوبیه. خیلی خوش مشرب و مهربونه. خانواده دوسته. من فقط می‌گم بیاد با هم حرف بزنن. زور نمی‌گم به خدا.

نوید گفت: به هر حال من مخالفم! ندا با تعجب پرسید: تو چرا؟ نوید چشم‌مکی به مامان زد و گفت: خیلی پسر خوبیه. بدبخت می‌شه با تو. ندا کوسن رو مبیل رو پرت کرد سمت نوید و گفت: خیلی دلش هم بخواد.

نوید جا خالی داد و گفت: تو رو ببینه دلش نمی‌خواد! دیوونه است مگه! ندا با خنده گفت: دیوونه اونم که به تو بله بگه! مامان با اشاره چشم به نوید فهموند که با ندا صحبت کنه و خودش به اتاق رفت.

نوید جلوی آینه ایستاد و در حالیکه موهاشو مرتب می‌کرد گفت: ندا تو از زندگی چی می‌خوای؟ معیارهاش غیر از این‌هایی که به مامان می‌گفتی چیه؟ ندا نفس عمیقی کشید و گفت: همین‌ها رو هم بقیه می‌گن توقع بی‌خود! نوید از توی آینه به ندا زل زد و گفت: منو نگاه کن. من نه خونه دارم و نه ماشین ۳۰ سالم شده و واقعا از این شرایط خسته شدم. بلا تکلیفم. هر جا هم می‌ریم همین حرفای تو رو می‌زنن.

ندا من ارشد نخوندم اما درآمدم هم خوبه. برام مهمه که رفتار و اخلاقم خوب باشه و براش تلاش می‌کنم. وقتی یه دختر به جای اینکه ویژگی‌های اخلاقی من رو بررسی کنه جیبم رو می‌سنجه حالم از خودم و اون بد میشه.

ندا به نوید فکر کرد. برادر مهربون و دوست داشتنیش که همیشه حضورش شادی رو به خونه منتقل می‌کرد. سر تا پای نوید رو ورنده کرد. چهره معمولی. لیسانس ادبیات و معلم کنکور. نه خونه داشت و نه ماشین. ولی در عوض تلاشش زیاد بود. همیشه بخشی از حقوقش رو به خیریه کمک می‌کرد. از داشتن نوید ذوق زده شد. شاید احسان هم... ندا: من می‌ترسم نوید. از انتخاب، از مسئولیت و از دوست داشتن!

نوید زد زیر خنده و گفت: می‌گم دیوونه‌ای نگو نه! همه می‌ترسن ولی با سختگیری بی‌مورد مشکل حل نمیشه. اتفاقا باید توی موارد سرنوشت ساز سخت‌گیری. کسی که بلد نیست روابطش رو مدیریت کنه یا نمی‌تونه روی پای خودش بایسته رو باید نه بگی... اینا باید معیارهای تو باشه.

ندا من و بابا مثل کوه پشتتیم. تو نگران چی هستی دختر؟ حرف من اینم معیارها تو درست بچین و خیلی دقیق بررسی کن. اینکه همسر تو مثل تو فکر کنه و از جنبه‌های اعتقادی و فکری شبیه هم باشین خیلی مهمه اتفاقا. اما اینکه کارمند باشه یا مدیر، لیسانس باشه یا دکترا و... غل و نجبر الکیه که به دست و پای خودت می‌بندی و انتخاباتو محدود می‌کنی. تا الان تو به خیلی‌ها گفتی نه. منم دخالت نکردم. ولی به نظرم احسان ارزششو داره که بیشتر باهاش آشنا بشی.

ندا لبخندی زد و گفت: مامان فهمیده تو می‌تونی منو قانع کنی همش تو رو می‌فرسته سراغم!

گاهنامه دفتر تحکیم وحدت

ندای دختران ایران

شماره دوم

فروردین ۱۳۹۶



از دواج بکنم؟

ندای دختران ایران

قطعا همه ی ما باید در طول عمرمان ، به تمام ابعاد و وجوه زندگی توجه کنیم و در این میان بخش بزرگ و غیر قابل اغماض زندگی ما، خانواده است.

خانواده و زندگی مشترک باید با عشق و محبت آغاز شود و مسیری سرشار از رشد، آرامش و امنیت خاطر در دل زندگی ما ایجاد کند. ازدواج فصل آغازین بهار زندگی همه ی جوان هاست. فصلی که باید با شوق و اشتیاق آغاز شود. اما باورهای غلط و رسوم و سنن بی اهمیت و پر دردسر، آن قدر در راس خواسته ها قرار می گیرد که اصل را تحت و الشعاع خود قرار داده می شود. در این حال ازدواج تبدیل می شود به برزخی که جوانان از ورود به آن واهمه دارند.

ندا باور دارد از ماست که بر ماست و فقط خود ما هستیم که می توانیم در برابر سیلاب تفکرات اشتباه محکم بایستیم و راهی بسازیم به سوی آرامش...
نسل قدرتمندی چون ما نباید تسلیم زیاده خواهی های مادی جامعه شود. ما باید جامعه را تسلیم فرهنگ صحیحی کنیم که در آن اخلاق و ارزش های اخلاقی بر ثروت و معیارهای ظاهری ارجحیت داشته باشد.



ندای قانون

شروط عقد، بایدها و نبایدها (۲)

ماده ۲۳۴ قانون مدنی:

شروطی که در عقد صحیح است: شرط صفت ، شرط نتیجه و شرط فعل

شرط صفت: شرط صفت در نکاح عبارت است از اینکه وجود صفت خاصی در یکی از زوجین یا در مهر شرط شده باشد، چنانکه شرط شده باشد شوهر دارای مدرک لیسانس یا فلان مقدار ثروت باشد. در صورت تخلف شرط، کسی که شرط به نفع او باشد می تواند نکاح را فسخ کند.

شرط نتیجه: در این حالت یکی از اعمال حقوقی به صرف شرط کردن در عقد و بدون اینکه به سبب دیگری نیاز باشد حاصل می گردد. مثل اینکه ضمن نکاح شرط شود که شوهر مالک مال معینی باشد که متعلق به زن است.

شرط فعل: شرطی که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از طرفین یا بر شخص خارجی شرط شود. چنانکه بر شوهر شرط شود که زن خود را در شهر معینی سکنی دهد یا از شهر معین خارج نکند.



ندای خانواده

غولی به نام ازدواج

سارا خالو باقری-دانشگاه شریعتی



مهم ترین اتفاق در زندگی هر جوان ازدواج و تشکیل خانواده است. ازدواج باید راهی برای رسیدن به رشد و تعالی ، افزایش آزادی و تجربه داشتن یک یار و مونس مهربان باشد.

امروزه در جامعه در مسئله ازدواج شاهد ناهنجاری هایی هستیم که شأن و منزلت دختر و پسر را زیر سوال می برد. گله ی جوانان در این موارد خود پدر و مادر ها هستند.

در بعضی از خانواده ها دیده می شود که ازدواج فرزندشان را پلی برای رسیدن به شهرت ، ثروت و یا موقعیت اجتماعی می دانند و به همین دلیل انتخاب های دختر یا پسر به دلایل واهی و با معیارهای صرفا مادی رد می شود. در این موارد دختران یا پسران قربانی تفکرات غلط خانواده ها می شوند. این مسئله مختص قشر خاصی نیست و حتی در خانواده های مذهبی که ادعای دینداری دارند نیز دیده می شود!

خانواده هایی که خوشبختی پسرشان را در گرو ازدواج با دختری چشم رنگی ، کمربار یک ، تحصیل کرده ، از خانواده ای اصیل ، پدری پولدار با موقعیت اجتماعی عالی و ساکن شمال یا غرب پایتخت می دانند. دختری که بتوانند با ظاهر و ویژگی های ظاهری او به دیگران فخر بفروشند!

منکر آن نیستم که اصل و نسب و تحصیلات مهم است اما چه لزومی دارد در جلسه خاستگاری از متراژ منزل ، مدل ماشین و ... خانواده عروس سوال شود؟؟ یا اینکه قرار است چه جهیزیه ای برای دخترشان تدارک ببینند؟ آیا به فرش دست بافت و فلان یخچال و تلویزیونی با فلان قابلیت و ... به عنوان جهیزیه دخترشان فکر کرده و حاضر به تهیه آنها هستند؟؟

و یا برعکس خانواده هایی که خوشبختی دخترشان را در گرو تعیین مهریه ی بالا ، خانه ، ماشین و مدرک تحصیلی و ... می بینند و در این میان ویژگی های اخلاقی، دینداری و ... در درجه ی چندم اهمیت قرار می گیرد!

این نگاه های تحقیر بار به دختر و پسر نه تنها ضامن خوشبختی جوانان نیست بلکه ازدواج را تقریبا محال کرده است. پدر و مادری که خودشان به سادگی و با شرایط معمولی کنار هم قرار گرفتند و با تلاش های شیرین و کمک و همدلی هم زندگیشان را ساختند این روزها جوانان را در مقابل غول بی شاخ و دم مشکلات ازدواج قرار می دهند و با یک جمله تمام خواسته هایشان را منطقی نشان می دهند: ما ابرو داریم! تنها راه نجات از این مهلکه تغییر نگاه در خود جوانان است و تلاش برای تغییر باور خانواده ها ، به گونه ای که احترامشان نیز حفظ شود. کفایت هزاران پرونده ی طلاق که در دادگاه های خانواده قرار دارد و اتفاقا هم پسر دارای خانه و ماشین و موقعیت اجتماعی مناسب بوده و هم دختر دارای چهره ی زیبا و مدرک تحصیلی بالا و پدر پولدار و موقعیت اجتماعی خاص و ... را نشان خانواده ها داد تا یقین پیدا کنند هیچ یک از این ها به تنهایی ضامن خوشبختی نخواهد بود...

دردسره های ازدواج

خادم الزهرا- دانشگاه زنجان

ازدواج بحث تکراری ولی دوست داشتنی برای ما جوونا که هر جا دور هم جمع بشیم حتما مقداری راجع بهش صحبت می کنیم.

هممون میدونم قدیم رسم و رسوم طوری بود که جوون تو هر شرایطی زود سر و سامون میگرفت.

اما تو این دوره و زمونه، از هفت خوان گذشته. دولت، جامعه، خانواده، پول، شغل، مسکن، مهریه و...

انتخابات نزدیکه و باید ببینیم کدوم یک از نامزدها برنامه ی درست و قابل اجرایی در این زمینه داره.

وظیفه دولت پاسداشت خانواده است. طبق برنامه ششم توسعه مجلس دولت رو موظف کرده تا شرایط تسهیل ازدواج رو برای جوونا فراهم کنه چون خانواده رکن جامعه هست.

متأسفانه دولت بازدهم خانواده رو مورد بی مهری قرار داده و تا به امروز طرحی برای تسهیل در امر ازدواج نکرده. این در حالی که الان بیشترین تعداد جوون رو در کشور داریم و کشورمون کاملا جوون محسوب میشه.

دولت به اعتبار اینکه مسئولیت حفظ سلامت جامعه (سلامت اخلاقی، اجتماعی و نفسانی جامعه) رو به عهده داره و به خاطر اینکه ازدواج به موقع، از انجام بسیاری از معضلات اجتماعی جلوگیری می کنه، باید در این باره به طور جدی اقدام کنه که تا حالا نکرده.

متأسفانه این دولت اهمیتی به جوون گرایبی نداده و نه تنها اشتغال ایجاد نشده بلکه با بی توجهی به تولید داخل خیلی از جوونا هم بیکار شدن. کافیه دولت سیاستگذاری درستی داشته باشه و با دادن وام بدون سود و حمایت از تولید ملی هم شغل جوونای ایرانی تامین شه و هم اقتصاد کشور رونق بگیره.

از این دولت که گذشت. امیدواریم دولت بعدی فکری به حال جوونا کنه تا هم سر و سامون بگیرن و هم این وضعیت اجتماعی که الان گریبان جامعه رو گرفته بهبود پیدا کنه.

